

به نام خدا

۳ و ۴

خبرنامه داخلی

انجمن حمایت از کودکان کار

نشانی: تهران - مولوی، باغ فردوس، خ ریس عبداللهی، خ شهید اردستانی، کوچه شهید احمد افتخاریان،

روبروی سقاخانه بابانوروز علی، بن بست بی نام، شماره ۴۳

تلفکس: ۵۶۰۳۲۰۵

کدپستی: ۱۱۶۸۹۷۳۱۶۳

ز آب خرد ماهی خرد خیزد

نهنگ است آنکه با دریا ستیزد

تغییری در شرایط اجتماعی یا خانوادگی آنان به جز تشدید آسیب چه دستاوردی می‌تواند داشته باشد؟ اگر برآستی اگر بخواهیم جامعه‌ای داشته باشیم که در آن هیچ کودکی از حق بازی، تفریح، تحصیل، تغذیه، بهداشت و امنیت محروم نباشد، لازم است ضمن آرایه و اجرا طرح‌های حمایتی خرد و منطبق با ویژگی‌های خاص و بومی هر منطقه همواره به ریشه‌های بنیادین تولید و بازتولید این پدیده در ابعاد کلان اجتماعی نیز توجه داشته باشیم. که گاهی این ریشه‌ها از مرزهای ملی یک کشور فراتر می‌رود و به این پدیده ابعادی جهانی می‌بخشد. تجارت کودکان و کار کودکان مهاجر در دیگر کشورها نماد بارز ویژگی جهانی بودن این پدیده است. لازم بذکر است این ویژگی به هیچ عنوان از وظایف دولتها نمی‌کاهد و به موجب بند ۱ ماده ۲۲ پیمان نامه جهانی حقوق کودک، دولت‌های عضو موظفند اقداماتی را به عمل آورند که تمامی کودکان پناهنده از حمایت‌های مناسب و مساعدت‌های بشر دوستانه بهره‌مند گردند.

در بررسی و تجزیه تحلیل موضوعات و مسایل اجتماعی قبل از هر چیز لازم است تاریخچه، علل، ریشه‌های پیدایش، عوامل تأثیر گذار (تسریع کننده و یا بازدارنده) آثار و پیامدهای آن پدیده را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهیم. و چنانچه قرار باشد این مطالعه و بررسی برای تدوین طرح یا برنامه‌ای جهت اقدامی عملی مبنای کار قرار گیرد، ضرورت این همه جانبه‌نگری اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. چرا که هر گونه درک یا برداشت غلط از موضوع می‌تواند ما را به بیراهه برده و علاوه بر اتلاف وقت و انرژی آثار و نتایج منفی نیز بر جای بگذارد. یکی از این موضوعات اجتماعی مساله کار کودکان و پدیده‌ی کودکان خیابانی است. که هر گونه برداشت سطحی و درک غلط از آن موجب می‌گردد اقدامات انجام شده نه تنها مفید نباشند، بلکه آثار و نتایج زیانباری نیز بر جای بگذارند. به طور مثال: جمع‌آوری گروهی کودکان کار (در خیابان) از خیابانهای شهر، نگهداری کوتاه مدت و رهاسازی یا برگرداندن آنان به خانواده بدون هیچ گونه

فعالان عرصه‌های حمایت از کودکان کار به خوبی می‌دانند که بخش قابل توجهی از کودکان کار در ایران را، کودکان افغان تشکیل می‌دهند. و این روزها با برقراری آرامش نسبی در افغانستان ما شاهد بازگشت تدریجی آنان به کشورشان هستیم.

آیا این بازگشت نقطه پایانی بر سرگردانی، محرومیت و رنج کودکان افغان خواهد بود؟

واقعیت دردناک این است که کودکان افغان بیشترین هزینه‌ی جنگ و ناآرامی در کشورشان را پرداخت کرده‌اند. کودکانی که بهترین دوران زندگی را به جای بازی، تفریح و برخورداری از آموزش، بهداشت و امنیت ناگزیر بودند، دور از فرهنگ و زبان مادری خود در شهرها و کشورهای مختلف برای گذراندن زندگی تن به دشوارترین و پست‌ترین مشاغل بدهند. و واقعیت دردناک‌تر اینکه دوران کودکی بسیاری از آنها برای همیشه سپری شده و فرصت‌ها را از دست داده‌اند. **بی هیچ مهارتی، بی هیچ آموزشی، بی هیچ مهری و بی هیچ حمایتی.**

براستی آنان که مهربانی ندیده‌اند چگونه می‌توانند مهربانی کنند؟

هنوز زندگی کودکان افغان به شرایط عادی بازنگشته، که کودکان عراق گرفتار مصیبتی دیگر گشته‌اند.

آیا تصمیم‌سازان عرصه‌ی جهانی نمی‌دانند کودکان اصلی‌ترین قربانیان جنگ، خشونت و ناآرامی هستند؟

رشد ۷ درصدی تولید سلاح در جهان طی دهه‌ی گذشته کدام منافع از کودکان را تأمین می‌کند؟

هر روز کودکان زیادی بدلیل فقر، بیماری، سوءتغذیه، سوء استفاده‌های جنسی، بهره‌کشی، استثمار و رفتارهای غیرانسانی در جای جای جهان از دست می‌روند و مجامع بین‌المللی به انتشار آمار و ارقام بسنده می‌کنند.

بی تردید تغییر شرایط موجود و تأمین منافع عالی‌ه‌ی کودکان مستلزم اقدام سریع و همه‌جانبه تمامی دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای ملی و بین‌المللی با بهره‌گیری از عزم و اراده‌ی مردمی، تمام کشورها می‌باشد.

ماده ۲۲ بند ۱ (پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک):

- کشورهای عضو اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا تضمین شود کودکی که متقاضی پناهندگی است یا طبق قوانین و مقررات بین‌المللی یا داخلی پناهنده محسوب می‌شود، اعم از اینکه همراه والدین خود یا شخص دیگری باشد و یا همراه نداشته باشد، از حمایت مناسب و مساعدت بشردوستانه در برخورداری از حقوق مندرج قابل اعمال در این پیمان‌نامه و در سایر اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر یا بشردوستانه که کشورهای عضو به آنها ملحق شده‌اند، بهره‌مند خواهد شد.

۵- مددکاری:

گروه مددکاری انجمن حمایت از کودکان کار در دو بخش عمده به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

۱-۵ شناسایی و بررسی مشکلات فردی و خانوادگی کودکان کار و تلاش در جهت حل آنها.

این شناسایی از طریق بازدید منزل، مصاحبه با کودک و خانواده و نیز تکمیل فرم شماره ۱ مددکاری صورت می‌گیرد.

از مشکلات کودکان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بیماری‌های مختلف جسمی، مشکلات حقوقی از قبیل نداشتن برگه شناسایی یا برگه هویت برای کودکان مهاجر افغان. مشکلاتی که برای اعضا خانواده پیش می‌آید مثل بیماری‌های پدر، مادر، مشکلاتی که در روابط کودک با والدینش بوجود می‌آید، مشکلات کودکان در محیط کار که مانع حضور منظم و مستمر آنان در انجمن می‌شود.

۲-۵ ارتباط با سازمان‌ها و افراد حقیقی و حقوقی که فعالیت آنها به نوعی در رفع مشکلات کودکان کار مؤثر است.

در این بخش به منظور جذب امکانات موجود در جامعه برای کودکان کار و خانواده‌هایشان، ارتباطاتی با سازمانها، نهادها و افراد برقرار شد. از خدمات ارائه شده توسط سازمان‌ها می‌توان به خدمات درمانی، توانبخشی و حقوقی اشاره نمود.

از مشکلاتی که روند اقدامات و پیگیری‌های مددکاران انجمن را کند می‌کنند می‌توان به عدم پیگیری دقیق و منظم خانواده‌ها که به علت پایین بودن سطح آگاهی آنهاست، اشاره نمود. بنابر این باید علاوه بر پیگیری مشکلات، مشاوره خانواده نیز برای خانواده‌ها داشته باشیم.

و دیگر مشکلاتی است که با سازمان‌ها و مراجع ذیصلاح داریم. چرا که آنان شناختی از کودکان کار و

۱- آموزش:

با استقبال روز افزون کودکان کار از برنامه‌ها و امکانات ایجاد شده در انجمن، تعداد ۴۰۰ نفر از آنان در نیمه دوم سال ۸۲ در کلاس‌های مختلف ثبت نام کردند.

این کلاس‌ها شامل: پیش دبستانی، سوادآموزی، (مقدماتی، تکمیلی، پایانی) زبان انگلیسی، تقویتی فارسی و ریاضی می‌باشد.

همچنین کلاس‌های حرفه و هنر شامل: آرایشگری، قلاب‌بافی، عکاسی، برق، سرود و موسیقی، روزنامه‌نگاری و دوخت کوبلن می‌باشد.

توانمندسازی و ارتقا عزت نفس و اعتماد به نفس در کودکان کار اصلی‌ترین محور بخش آموزش می‌باشد.

۲- پیش دبستانی:

در این بخش ۵۰ کودک زیر ۷ سال حضور دارند. از برنامه‌های اجرا شده در این بخش می‌توان به آشنایی با رنگ‌ها، مفاهیم ساده ریاضی، مفاهیم اولیه، آشنایی با مسایل عاطفی، اجتماعی و انجام کارهای گروهی اشاره کرد.

۳- آموزش بهداشت بلوغ:

با همکاری انجمن تنظیم خانواده در تاریخ‌های ۱۶ و ۲۳ آذر ماه و ۳۰ دی ماه کلاس‌های آموزش بلوغ برای ۲۰ نفر از نوجوان ۲۰-۱۴ سال انجمن برگزار گردید. لازم است از زحمات سرکار خانم جعفری قدردانی بعمل آوریم.

۴- مشاوره مادران:

به منظور ارتقاء سطح آگاهی خانواده‌ها طی آذر ماه سال گذشته جلسات متعدد مشاوره مادران توسط سرکار خانم دکتر احمدی در محل انجمن برگزار گردید.

مشکلات آنان ندارند و یا اگر آشنایی دارند راه‌حلی برای حل مشکلات پیش‌بینی نشده است. به عنوان مثال برای کارمندان اداره ثبت احوال بسیار عجیب است که یک پسر ۱۵ ساله شناسنامه ندارد و عجیب‌تر آنکه یک مددکار به همراه والدین کودک یا به جای آنان به دنبال کار کودک او باشد. یا اینکه قاضی دادگاه بدون تحقیق و بررسی یک تبعه افغان را که همراه همسر و چند کودکش در ایران زندگی می‌کند به اتهام اقامت غیرقانونی در ایران، حکم خروج از مرز را برای او رد کرده است. بدون اینکه به صحت این اتهام و یا عواقب این کار فکر کند، در صورتی که پس از پیگیری معلوم گردید که آن خانواده حداقل تا خرداد ۸۳ مهلت اقامت قانونی در ایران را دارند.

ماده ۲۶ بند ۱ (پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک):

کشورهای عضو حق هر کودک را برای برخورداری از تأمین اجتماعی، از جمله بیمه اجتماعی، به رسمیت می‌شناسند و اقدامات لازم را برای دستیابی به تحقق کامل این حق مطابق با قوانین داخلی خود بعمل خواهند آورد.

۶- روز جهانی کودک:

۱۶ مهر هر سال مصادف است با روز جهانی کودک، سال گذشته ۲۰۰ کودک کار و خیابان این انجمن با حضوری بی‌سابقه و با شکوه در این مراسم که در مرکز آفرینش‌های هنری کانون پرورش فکری کودک و نوجوان برگزار شده بود شرکت کردند. حضور کودکان آن چنان گسترده و بی‌نظیر بود که تمامی حاضران تحت تأثیر قرار گرفته بودند.

ماده ۱۵ بند ۱ (پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک):

کشورهای عضو حقوق کودک را در مورد آزادی اجتماعات و شرکت در مجامع سلامت آمیز به رسمیت می‌شناسند.

۷- راهپیمایی روز جهانی کودک:

ساعت ۹ صبح جمعه ۱۸ مهر ماه ۸۲ به مناسبت روز جهانی کودک، کودکان کارگر عضو انجمن حمایت از کودکان کار به یاد تمامی کودکان محروم و کودکان کار و رنج در سراسر دنیا، از مکان انجمن واقع در خیابان مولوی تا پارک شهر تهران راهپیمایی کردند. و طی مسیر با سردادن شعارها و خواندن سرودهای شاد کودکانه و نیز با خواندن بیانیه‌ای که به همین منظور از سوی انجمن صادر شده بود، خواستار توجه بیشتر دولت‌ها به مساله کار کودکان و حقوق کودک شدند.

پس با حضور در مجموعه فرهنگی - هنری شهید چمران از برنامه‌های شاد در نظر گرفته شده برای کودکان استفاده کردند.

جا دارد از مدیریت محترم این مجموعه، اعضا محترم گروه نمایش و جناب آقای موسوی قدردانی بعمل آوریم.

۸- گردش‌های علمی - تفریحی:

گردش‌های گروهی ضمن آنکه فرصت بازی و تفریح را برای کودکان فراهم می‌آورد به آنان فرصت می‌دهد، هم فکری و کار گروهی را تجربه نموده و وارد عرصه‌های ارتباطات اجتماعی شوند. به همین منظور در خلال سایر فعالیت‌های انجمن طی سال گذشته برنامه‌های تفریحی متعددی نظیر: بازدید از نمایشگاه‌های مختلف، بازدید از باغ وحش استفاده از فضاهای تفریحی و پارک‌ها و نیز امکان استفاده و تماشای تئاتر برای کودکان فراهم شد.

جای دارد از تمامی دوستانی که در این زمینه ما را یاری کرده‌اند و نیز از مدیریت محترم تالار هنر و سرکار خانم رضاییان تشکر نمائیم.

۹- خرید ساختمان:

استقبال کودکان کار از فعالیت‌های انجمن و ضرورت گسترش خدمات ارایه شده ما را در محدودیت فضای آموزشی قرار داده بود، که در نهایت با حمایت های بی‌دریغ دوستان موفق به خرید ساختمان مجاور انجمن شدیم. جا دارد از کمک‌های این دوستان نهایت سپاسگزاری را بنماییم.

۱۰- همایش کودک واقعیت اجتماعی:

حضور در همایش کودک و واقعیت اجتماعی که در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۸ توسط سازمان میراث فرهنگی برگزار گردید. یکی دیگر از فعالیت های انجمن بود. تجلیل از فرزندان شجاع ایران زمین یکی از برنامه‌های این همایش بود. که به سه نفر از کودکان زلزله زده بیم لوح شجاعت اهدا شد. از مدیریت محترم سازمان میراث فرهنگی و آقای حسن‌زاده بخاطر تلاش های بی‌دریغشان در برگزاری این همایش قدردانی می‌نماییم.

۱۱- جلسات مشترک با بهزیستی:

طی نیمه دوم سال ۸۲ انجمن حمایت از کودکان کار در جلسات مشترکی که در دفتر آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی با انجمن ها و اشخاص فعال در زمینه کودکان کار و خیابان برگزار نمود، شرکت نموده و ضمن بحث و تبادل نظر، انجمن حمایت از کودکان کار و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در خصوص راه‌اندازی مراکز آموزشی حمایتی از کودکان کار اعلام آمادگی نمودند.

۱۲- بازدید علاقمندان و دانشجویان:

بازدید دانشجویان رشته‌های روانشناسی و مددکاری دانشکده‌های مختلف و همچنین علاقمندان کودکان کار، از فعالیت‌های انجمن اقدامی دیگر بود در جهت ترویج حقوق کودک و فرهنگ کار داوطلبانه.

۱۳- مشارکت کودکان کار در روز درختکاری:

به مناسبت هفته منابع طبیعی تعداد ۵۰ نفر از کودکان کار انجمن با همکاری انجمن حفاظت از محیط زیست خوزستان در مراسم روز درختکاری (۲۲ اسفند) شرکت

کردند. در این مراسم که با حضور گسترده و پرشور سایر انجمن های زیست محیطی صورت گرفت. کودکان ضمن آموزش کاشت و نگهداری از درخت با سایر مفاهیم زیست محیطی آشنا شدند.

۱۴- بازارچه:

به منظور معرفی اهداف و برنامه‌های انجمن و نیز جذب کمک‌مالی دو بازارچه غذا با همیاری دوستان و داوطلبان این انجمن برگزار گردید.

۱۵- نمایشگاه نقاشی:

به مناسبت روز جهانی کارگر، دومین نمایشگاه نقاشی و عکاسی کودکان کار این انجمن در محل نگارستان شاهد در تاریخ ۸ تا ۱۶ اردیبهشت برگزار گردید. در این نمایشگاه ۲۴ اثر نقاشی کودکان و ۱۰ قطعه عکس از آثار عکاسی کودکان در معرض دید علاقمندان قرار گرفت.

۱۶- آموزش داوطلبان:

به منظور ارتقا سطح آگاهی داوطلبان فعال در زمینه حمایت از کودکان کار و خیابان کلاس آموزشی یک روزه توسط سرکار خانم «دکتر قاسم‌زاده» با حضور نیروهای داوطلب انجمن های حمایت از کودکان کار، جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و انجمن حمایت از حقوق کودکان در محل ساختمان مرکزی انجمن حمایت از کودکان کار در تاریخ ۸۳/۱/۳۱ برگزار گردید.

۱۷- همایش:

همایش کودکان کار در آینه اقتصاد نشست مشترکی است با کانون دانش‌آموختگان اقتصاد و تعدادی از انجمن های فعال در زمینه‌ی کودکان کار این همایش در تاریخ ۸۲/۳/۴ در تالار جزی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران برگزار شد.



جهانی شایسته ما

این بیانیه در جلسه افتتاحیه نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای کودکان و نوجوانان در تاریخ ۸ ماه مه ۲۰۰۲ برابر با ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۱ توسط خانم «گابریلاز وردی اربتا» از کشور بولیوی و خانم «اودی شه نو» از کشور موناکو به نمایندگی از طرف هیات های شرکت کننده در گردهمایی کودکان خوانده شد.

ما کودکان جهانی

ما قربانیان استثمار و آزاریم .

ما کودکان خیابانی هستیم.

ما کودکان جنگیم.

ما قربانیان و یتیمان عفونت HIV و ایدز هستیم.

ما از آموزش با کیفیت و مراقبت های بهداشتی مناسب محرومیم.

ما قربانیان تبعیض های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و زیست محیطی هستیم.

ما کودکانی هستیم که به صدای آنها گوش داده نمی شود؛ وقت آن فرا رسیده است که ما نیز به حساب آییم.

ما جهانی شایسته کودکان می خواهیم چرا که جهانی که شایسته ماست. جهانی شایسته همگان خواهد بود.

جهان شایسته کودکان (یونیسف)

با کودکان دنیا

اوگاندا - زمین سخت است. هوای سرد شب از رواندازهای نازک و مندرس نفوذ می کند، با وجود این هر شب صدها کودک و نوجوان در فضای باز ایستگاهها اتوبوس شهر گولو دراوگاندا می خوابند و نه فقط در آنجا، بلکه در محوطه مقابل بیمارستانها، در چاله های کنار خیابان و حتی فرو رفتگی آستانه مغازه ها هم. مهم نیست کجا. مهم این است که شب را در شهر باشند. چرا که فقط در شهر از دست شورشیان ارتش مقاومت در امان هستند.

این گروه شبه نظامی از ۱۷ سال پیش وحشت را در شمال اوگاندا حاکم کرده اند. تقریباً هر شب سربازان شورشی به دهکده های منطقه حمله می کنند. اغلب بزرگسالان را می کشند و کودکان و نوجوانان را به اسارت می برند. بچه ها باید برای آنها بجنگند و هر کس این کار را نکند، زنده نخواهد ماند. سال گذشته حدود بیست هزار پسر و دختر زیر ۱۸ سال به وسیله شورشیان ربوده شدند. ارتش آنها تقریباً از کودکان و نوجوانان تشکیل شده است. پدر و مادرها برای حفظ جان فرزندان و جلوگیری از ربوده شدن آنان، بچه ها را هر شب به شهر می فرستند. هنگام غروب آفتاب، گروه های زیادی از نوجوانان، در حالی که پتوی نازکی به همراه دارند و راه طولانی را طی کرده اند، وارد شهر می شوند. در گوشه ای روی زمین می خوابند و صبح زود، باز به روستایشان باز می گردند. اهالی شهر گولو، این میهمانان شبانه را «اشباح کوچک» می نامند.

روزنامه همشهری؛ دوچرخه، ص ۱۶ مورخ

۱۳۸۳/۲/۳

طبق آمار رسمی

۱۵۳ میلیون کودک برابر ۶۲ درصد در آسیا

۸۰ میلیون کودک برابر ۳۰ درصد در آفریقا

۱۷ میلیون کودک برابر ۱۸ درصد آمریکای لاتین در

مشاغل سخت و غیرانسانی مشغول به کارند.

آمار سوانح شغلی این گروه نشان می دهد که هر سال

۱۲ میلیون کودک در معرض خطرات و حوادث ناشی از

کار قرار دارند که از این تعداد ۱۲۰۰۰ مورد مهلک و غیر

قابل علاج است.

درخت های نقاشی ما نخل بود. سبز سبز و خورشیدمان زرد مثل شن های کویر. خانه هامان عشق داشت و رنگین کمان نقاشی هایمان صدها رنگ. بعد از زلزله همه چیز یک رنگ بود. رنگ خاک؛ رنگ خون اما ما باز هم عشق را می کشیم ایستاده بر خرابه های بم. رنگین کمان را می کشیم که هنوز ادامه دارد و خورشید را که همچنان می تابد،
حتی اگر مداد رنگی هایمان زیر آوار مانده باشد.



آرمان آزاد منش - ۹ ساله ، کودک بازمانده از زلزله بم

به مناسبت چهلمین روز درگذشت کودکان حادثه دلخراش زلزله ی بم، نمایشگاه نقاشی کودکان بازمانده این واقعه توسط انجمن و با همکاری مجتمع آموزشی صبا در محل مرکز مشارکت های مردمی منطقه ۶ شهرداری تهران ۱۷-۱۵ بهمن ماه و نیز فرهنگسرای ملل (امیرکبیر) در تاریخ ۳۰ بهمن تا ۱۷ اسفند ۸۲ برگزار شد. از همکاری تمام عزیزیانی که صادقانه و عاشقانه با ما همراه بودند سپاسگزاریم.

گزارش بـم

وقتی کلاس درس تموم شد. محمد با عجله کوله پشتی‌اش را که کتاب فارسی، دفتر دیکته، دفتر ریاضی، قوطی واکس، فرچه، دستمال و دمپایی توش بود روکولش انداخت و با عجله از انجمن بیرون رفت. نمی‌دونم توی خیابان های شلوغ شهر، توی ازدحام بی‌مه‌آدما توی سرمای زمستان به محمد که پیراهن نازکی به تن داشت و دمپایی به پا، چه گذشت. محمد وقتی به انجمن آمد ساعت ۱۰/۳۰ شب بود و ما داشتیم هدایای بچه‌های کار و مردم را بسته‌بندی می‌کردیم تا عازم بم شویم. توی حیاط محمد دستشو دراز کرد بطرفم و یک جفت کفش بچه‌گانه مشکی داد به دستم و گفت: سلام منو به بچه‌های بم برسونید.

منطقه از شهر بم، یک محل استقرار چادرهای انجمن و دیگری محله بنیاد شهید جهت برگزاری نمایشگاه نقاشی. • تشکیل کلاسهای آموزشی و تفریحی در زمینه‌های قصه‌خوانی، نقاشی، بازی دو ... دو نوبت در صبح و عصر. همزمان با برگزاری این کلاس‌ها با کودکان و خانواده‌ها ارتباط برقرار شد و نیازسنجی برای ادامه فعالیت‌ها انجام شد. در همین ضمن با سازمان‌های دولتی و غیردولتی ایرانی و خارجی نیز ارتباطاتی گرفته شد و ضمن اعلام توانایی‌ها و نیازهای خود از امکانات موجود نیز اطلاعاتی به دست آمد و ادامه فعالیت‌ها با همکاری این سازمان‌ها انجام شد.

- برگزاری دوره آموزش زبان انگلیسی
- برگزاری دوره آموزش نجاری ساده
- برگزاری دوره آموزش بازیگری
- برگزاری دوره آموزش موسیقی کودکان
- برگزاری دوره آموزش شطرنج
- برگزاری دوره آموزش آرایشگری برای خانمها
- برپایی یک چادر ۲۰۰ متر مربعی برای برگزاری برنامه‌های ورزشی، کارگاههای آموزشی، مشاوره‌های گروهی و ...

انجمن حمایت از کودکان کار در روز عیدی ماه ۱۳۸۲ با اعزام یک گروه ۸ نفری از اعضا داوطلب و نیزارسال کمک‌های نقدی و جنسی جمع‌آوری شده کار امداد رسانی به مردم آسیب دیده از زلزله را آغاز نمود. با بازگشت گروه اول در ۱۰ دی ماه گروه دوم با تعداد ۱۱ نفر در ۱۱ دی ماه به بم اعزام شد این دو گروه در ۲ هفته اول پس از زلزله همراه با گروه‌های امدادگران در زمینه‌های امدادگری، مددکاری، مترجمی به یاری مردم پرداختند. در طی این مدت و در ضمن همکاری با این گروه‌ها، شناختی از شهر و نیازهای مردم به دست آمد و ضرورت حضورمستقل انجمن در کنار سایر نهادها و سازمان‌ها و گروه‌ها احساس شد. پس از برنامه‌ریزی اولیه، در تاریخ ۲۹ دی ماه، انجمن با هدف حمایت روانی و اجتماعی از کودکان و خانواده‌های زلزله‌زده در بم مستقر شد. با همکاری و راهنمایی اهالی منطقه فضای سبز مجاور سازمان انتقال خون واقع در محدوده منطقه ۵ ستاد معین استان تهران انتخاب کرده و فعالیت خود را آغاز نمود. خلاصه فعالیت‌ها تا پایان فروردین ماه سال ۸۳ به شرح زیر می‌باشد.

- تهیه تعداد ۳ چادر برای انجام فعالیت‌های انجمن با همکاری بهزیستی و هلال احمر.
- برگزاری برنامه نقاشی کودکان با همکاری ۲۰ نیروی داوطلب در ۲

• Nipon volunteer network

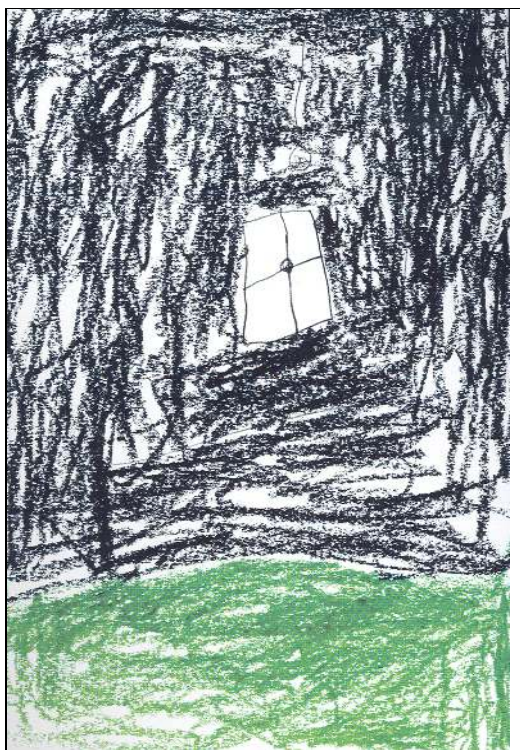
از ژاپن

علاوه بر کمک‌های مالی، برخی سازمان‌ها خدماتی را در اختیار انجمن گذاشتند از جمله: یونیسف، ستاد معین استان تهران، هلال احمر، انجمن دوستداران کودک کرمان، شورای کتاب کودک و ...

- برگزاری اردوهای تفریحی یک روزه برای کودکان
- برگزاری برنامه‌های بازی‌های گروهی و مسابقات
- برگزاری برنامه‌های شاد تفریحی برای کودکان و خانواده‌ها

منابع مالی انجمن برای اجرای برنامه‌ها در بم.

- کمک‌های مردمی
- سازمان بین‌المللی Save The Children
- People in need از کشور چک
- Code از ژاپن



ابوالفضل سفیدگر زاده - ۵ ساله، کودک بازمانده از زلزله بم

انجمن حمایت از کودکان کار با همکاری تعدادی از NGOهای ژاپن و شهرداری شهر کوبه بزودی
نمایشگاهی از آثار نقاشی کودکان زلزله زده بم را در شهر کوبه ژاپن برگزار می‌نماید.

بچه های کار هم مثل بقیه مردم به بچه های بم فکر کردند، تلاششان را ارج می نهیم.

ماده ۱۲ بند ۱ (پیمان نامه جهانی حقوق کودک):
کشورهای عضو تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود می باشد حق ابراز آزدانه این عقاید را در کلیه اموری که به وی مربوط می شود داشته باشد و متناسب به سن و میزان رشد فکری کودک به نظرات وی اهمیت لازم داده شود.

چرا مشارکت برای کودکان حائز اهمیت است؟

- برای مطالبه حقوقشان
 - توانمندسازی و عزت نفس آنان
 - خود اتکایی
 - حمایت از خود (قدم اول در دفاع علیه سوء استفاده و آزار).
 - مشارکت موجب رشد و بلوغ فردی می شود.
 - درک آنها را از موازنه قدرت و راههای نفوذ بالا می برد و لذا موجب تغییر این موازنه به نفع آنها می شود.
 - تدوین سیاست ها و برنامه های بهتر در مورد کودکان
 - کودکان در اثر فعالیت مشترک و فراگیر، همکاری و اتحاد را تجربه می کنند و قدرت بیان نظر خود را پیدا می کنند.
 - کودکان در اثر مشارکت جای خود در جامعه به عنوان شهروند مورد تاکید قرار می دهند.
- همایش کودکان در معرض خطر (یونیسف، قوه قضائیه)

مشارکت کودکان در تصمیم گیری ها و امور مربوط به خود یکی دیگر از محوری ترین فعالیت های انجمن می باشد که ضمن سرعت بخشیدن و تسهیل در انجام امور موجب ارتقا توانایی های آنان می گردد. قبل از برگزاری جشن اول مهر، از تمامی کودکان عضو انجمن خواسته شد تا در این برنامه مشارکت داشته باشند. تعداد ۲۱ نماینده از ۸ کلاس با شیوهی رای گیری انتخاب و معرفی شدند. این نمایندگان پس از یک جلسه ی توجیهی در خصوص کارگروهی، مشارکت، نحوه ی اظهار نظر، گوش دادن به صحبت های دیگران، رای گیری و تصویب. کار خود را آغاز کردند. روز اول سخت ترین روز برای تمامی نمایندگان بود. چرا که قبل از این هرگز تجربه ی حضور در مقابل یکدیگر و بیان نظر و عقیده ی خود را نداشتند. پذیرش پسران توسط دختران و بالعکس ۲ روز زمان برد. نماینده انجمن تنها در ۳ جلسه از ۷ جلسه ی نمایندگان حضور داشت و آن هم تنها به عنوان راهنما و نقشی در تصمیم گیری گروهی نداشته است.

ارتباط نمایندگان انتخاب شده در سه سطح تعریف شده بود.

۱. ارتباط با همکلاسی های خود به منظور اطلاع رسانی به آنان در مورد تصمیم گیری های انجام شده و انعکاس خواسته ی سایر دانش آموزان به دیگر نمایندگان.
۲. ارتباط با سایر نمایندگان حاضر در جلسه.
۳. ارتباط با مسوولین انجمن و ارایه گزارش کار.

نمایندگان خواست‌های خود را این‌گونه بیان داشتند:

- ما دوست داریم کف کلاس‌هایمان موزاییک باشد.

تا قبل از این کف کلاس‌ها سیمان بود.

- ما دوست داریم رنگ کلاس‌هایمان آبی باشد: ما کلاس‌های آسمانی را دوست داریم.

این کار توسط تعدادی از کودکان و آقای «مهدی بیات» انجام شد.

- ما دوست داریم فضای انجمن ما و کلاس‌هایمان سبز باشد.

با ۳ نماینده برای خرید گل و گلدان و خاک باغچه به پل امامزاده معصوم رفتیم.

- دوست داریم روز اول مهر برنامه‌های شاد داشته باشیم.

در این روز بیش از ۳۰۰ کودک کار برای اولین بار آغاز سال تحصیلی جدید را در این انجمن جشن گرفتند و تمام برنامه‌ها توسط خود کودکان انجام شد.

منیژه حسینی ۱۴ ساله :

اول مهر که جلسه گذاشتیم تا برای کلاس‌ها برنامه‌ریزی کنیم یاد گرفتیم که چطوری پشت میز بنشینیم و چطوری نظرم را بیان کنم و چطوری با بچه‌هایی که در آن جلسه شرکت می‌کنند مشورت کنم و وظیفه‌ام را انجام دهم. یاد گرفتم که توی جلسه به نظر یکدیگر نخندیم و آنرا مسخره نکنیم.

فاضله یونسی ۱۲ ساله :

در جلسه که نشسته بودم آنقدر خجالت می‌کشیدم که من چطور حرف بزنم اصلاً جرات حرف زدن را نداشتم. دو نفر از بچه‌ها به من گفتند چرا تو حرف نمی‌زنی. روز بعد من با شجاعت سر کلاس آمدم و حرف زدم و نظرم را گفتم. من در این جلسه یاد گرفتم که اگر ساکت بمانم چیزی بدستم نمی‌آید. پس همیشه جرأت حرف زدن را داشته باشم. آن جلسه برای من یک خاطره به یادماندنی و جالب است.

احمد سمیعی ۱۴ ساله :

من آن روز را همیشه به یاد دارم. در اولین جلسه یاد گرفتم چه جوری جلسه برگزار کنم. من یاد گرفتم چه جوری خرید کنم. من یاد گرفتم که چه جوری مسئولیت قبول کنم و آن را انجام دهم.

(مطالب فوق بدون دخل و تصرف می‌باشد.)

این روز فراموش نشدنی در خاطر ما و تمامی کودکان حاضر در این مراسم به یادگار خواهد ماند.

روز جهانی کارگر گرامی باد.

امروز ما در جهانی زندگی می‌کنیم که بیش از همه‌ی زمان‌ها ضرورت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در امر توسعه آموزش همگانی و توجه ویژه به رعایت حقوق زنان و کودکان به عنوان شاخصه‌های اصلی توسعه پایدار احساس می‌شود. جهانی عادلانه‌تر تنها با آموزش، مشارکت، حضور، هم‌فکری و مطالبه از سوی همه افراد جوامع می‌تواند تحقق یابد. و این در حالی است که استفاده از کودکان در جنگ‌ها، قاچاق مواد مخدر، زشت‌نگاری و تجارت کودکان در عرصه جهانی، ابعاد غیرانسانی به خود گرفته است.

هر چند به نظر می‌رسد که کشور ما از نظر استفاده‌های غیر اخلاقی از کودکان در مقایسه با بسیاری از دیگر کشورها از وضعیت به نسبت بهتری برخوردار است اما چندان نمی‌توان دلخوش بود. چرا که روند رو به رشد کار کودکان و گسترش پدیده کودکان خیابانی می‌رود تا ابعاد نگران‌کننده‌ای به خود بگیرد و چنانچه امروز از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی موجود بهره نگیریم و چاره‌ای نیاندیشیم فردا بسیار دیر خواهد بود.

به کارگیری کودکان در شرایط خطرناک و آسیب‌زننده و محروم نمودن آنان از آموزش، تحصیل، بازی، تفریح و محیط خانوادگی موجب آسیب‌دیدن اعتماد به نفس، عزت نفس، اخلاق، سلامت و رشد خلاقیت‌های آنان می‌شود.

در نگاه اول اگر چه بیشترین و اصلی‌ترین هزینه‌ها را این کودکان پرداخت می‌نمایند، اما پیامدهای ناشی از این آسیب چشم‌انداز رشد و توسعه کشور را نیز تهدید می‌کند. کار کودک نه تنها پیامد فقر، نابسامانی، بلکه خود مولد فقر و توسعه نیافتگی است. کودکانی که بدون هیچ یا حداقل آموزش در معرض انواع بهره‌کشی قرار می‌گیرند به بزرگسالانی بی‌سواد بدون مهارت، آسیب‌دیده و عقب مانده از رشد فرهنگی - اجتماعی تبدیل شده که دارای هیچ گونه چشم‌اندازی از شکست حلقه فقری که در آن متولد شده‌اند نیستند و علاوه بر آن، کودکان آنها نیز شانس کمی برای برون رفت از این حلقه را دارند و این دور باطل تکرار و تکرار خواهد شد.

ریشه

گر گفتم از درخت و شکفتم من از درخت
گرمست باغ گشتم و مفتون بیشه‌ها
غافل نبوده‌ام
یک دم ز ریشه‌ها
گر گفتم از شکوفه و گل، عطر بار و برگ
گفتم ز لاله‌ها
و آن جوجکان بال‌گشا زآشیانه‌ها
گفتم ز تند تازی توفان و تگرگ
اما بهار شعر من و باغ این جهان
گر سبز و پر شکوفه ز اندیشه بوده است
چون قامت درخت
جان و جمال یافته از ریشه بوده است.

«سیاوشی کسرای»

گروهی و پاک کردن چهره شهر از حضور کودکان می‌اندیشد. در حالی که این شیوه خود موجب آسیب‌های فراوانی به این کودکان می‌شود.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود هیچ‌یک از دو دیدگاه فوق نگران زندگی و آسیب‌های کودکان نبوده به ویژه اینکه نگاه دوم هرگز توجهی به وضعیت کودکان کارگر در کارگاه‌ها و منازل ندارد و بیشتر نگران چهره ظاهری شهر است.

۳. دیدگاه سوم دیدگاهی انسان‌گرا و اصولی است که بیش از هر چیز نگران خود کودکان و آسیب‌هایی که آنان از رهگذر کار می‌بینند، می‌باشد. و تلاش می‌کند با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای موجود ابتدا امکان حمایت عاجل و سریع از آنان را فراهم نموده و سپس زمینه‌های بازگشت همه کودکان به کلاس درس و رفع بهره‌کشی و ستم از آنان را فراهم نماید.

یکی دیگر از اقداماتی که طی دهه‌های اخیر صورت گرفته است. تدوین قوانین حمایتی در جهت تعریف سن کار کودک و موکلف نمودن دولت‌ها در جلوگیری از سو استفاده از کودکان است که از آن جمله می‌توان به مقاله نامه ۱۳۸ (حداقل سن کار کودک) مصوب ژوئن ۱۹۷۳ و مقاله نامه ۱۸۲ مصوب ژوئن ۱۹۹۹ و همچنین پیمان نامه جهانی حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ اشاره نمود. به طور مثال ماده ۳۲ پیمان نامه جهانی حقوق کودک دولتهای عضو را موظف نموده با هر گونه سو استفاده و بهره‌کشی اقتصادی از کودکان، مقابله نموده و زمینه‌های رشد ذهنی، جسمی روانی، اجتماعی و فرهنگی تمام کودکان را فراهم نمایند.

از دیگر قوانین می‌توان به ماده ۷۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران که صراحتاً به کارگیری افراد زیر ۱۵ سال را ممنوع اعلام کرده است، اشاره نمود. و یا مواد ۸۰ الی ۸۳ همین قانون کودکان بین ۱۵ تا ۱۸ سال را کارگران نوجوان تعریف کرده و استخدام آنها

آسیب‌های جسمانی، روانی، اخلاقی و اجتماعی ناشی از ساعات کار طولانی و طاقت فرسا در شرایط دشوار و بعضاً غیراخلاقی و غیر انسانی در مزارع، اسکله‌ها، بنادر، خیابان‌ها، کوره‌پزخانه‌ها محل تفکیک زباله و کار گاه‌های خیاطی، کفاشی، شابلون‌زنی، شیشه‌گری‌ها، قالی‌باف خانه‌ها، رستوران‌ها، اتوبوس‌های بین شهری و ... بدون هیچ‌گونه نظارت و یا حمایت در کنار بزرگسالانی که بعضاً خود نیز سرنوشتی چنین داشته‌اند و در معرض انواع ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی بوده‌اند، گاهی آن‌چنان بر زندگی کودکان سایه می‌افکند که تمامی عمر سنگینی آنرا احساس کرده و هرگز نمی‌توانند سر برافرازند.

پس از پیوستن ایران به پیمان نامه جهانی حقوق کودک و شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای حامی حقوق کودک در ایران، طی دو دهه اخیر موضوع حقوق کودکان و وضعیت کودکان خیابانی و کار کودکان به چالش کشیده شده و هر چند هنوز هیچ‌گونه کار زیربنایی در این زمینه صورت نپذیرفته است لیکن چنانچه از ظرفیت‌های موجود به درستی استفاده شود، فضای به وجود آمده و مباحث مطرح شده می‌تواند راه‌گشای تغییر شرایط به نفع کودکان به ویژه کودکان کار باشد.

در ارتباط با کار کودکان در حال حاضر سه دیدگاه وجود دارد:

۱. دیدگاه اول دیدگاهی است که بدون توجه به تعریف جهانی از کار کودک که آنرا با ویژگی آسیب‌رسانی، بهره‌کشی و محرومیت از تحصیل همراه می‌داند، کار کودکان را تنها به صرف اینکه مانع از ورود خواهران بزرگتر و مادر او به عرصه کار و اجتماع می‌شود یک فرصت تلقی می‌نمایند.

۲. دیدگاه دوم دیدگاهی است که همواره از بیرون به قضیه نگاه کرده و بیش از هر چیز نگران تفسیرهای بین‌المللی از کار کودکان در ایران، آن هم تنها کودکان کار در خیابان است و در نتیجه به جای چاره‌اندیشی اساسی همواره به جمع‌آوری

را منوط به رعایت پاره‌ای از نکات که موجب کاهش آسیب‌های وارده به آنان شود دانسته است.

اما همان‌گونه که شاهدیم تدوین قوانین فوق اگر چه دستاوردهای بزرگ در عرصه دفاع از حقوق کودکان می‌باشند اما به دلیل عدم فراهم نمودن پیش‌زمینه‌های لازم نه تنها موجب رفع ستم از کودکان نگشته‌اند، بلکه به دلیل کشش نان و اجبار به کار از طرف کودکان، موجب پیدایش کارگاه‌های زیرزمینی و جذب کودکان به این کارگاه‌ها گشته که این خود موجب شده کودکان کارگر از حداقل حقوق یک کارگر معمولی نظیر حداکثر ساعت کار، حداقل دستمزد بیمه، مرخصی سالیانه، مرخصی استعلاجی و غیره نیز محروم بمانند.

همان طور که می‌بینیم مجموعه شرایط موجود موجب ستم و بهره‌کشی مضاعف از کودکان گشته است. **پس به راستی چه می‌توان کرد؟** آیا برای حمایت از حقوق کودکان از قوانین موجود که حاصل تلاش انسان‌های بسیاری است چشم‌پوشی کنیم؟ که این خود حرکتی است ارتجاعی و بازگشت به عقب یا اینکه شرایط موجود را بپذیریم؟ یقیناً هیچ کدام.

آن چه مسلم است بازگشت کودکان به کلاس درس و برخورداری از حقوق اولیه حق مسلم آنهاست و به استناد همین قوانین موجود و قوانینی که لازم است در آینده تصویب گردد همواره بایستی بر ضرورت محو کار کودکان تاکید ورزید. ولی از آن جایی که می‌دانیم در خوش بینانه ترین حالت رسیدن به آن مرحله نیازمند تلاش فراوان و اصلاح بسیاری از ساز و کارهای اجتماعی است و تا آن زمان نمی‌توان دست روی دست گذاشت بنابراین ضروری می‌دانیم به منظور پیشگیری برای از دست رفتن فرصت‌ها از تمامی ظرفیت‌های موجود اجتماعی ابتدا به منظور حمایت سریع از کودکان کار و بهبود شرایط و کاهش لطامات آنان و سپس ایجاد زمینه‌های بازگشت کودکان به کلاس درس و محو پدیده‌ی کار کودکان استفاده نمود.

اکنون که در آستانه روز جهانی کارگر هستیم. ضمن گرامیداشت یاد و خاطره تمامی جان باختگان راه برابری و عدالت و تبریک این روز بزرگ به تمامی کارگران لازم

می‌دانیم دست دوستی به طرف تمامی آنان دراز کرده و از آنان کمک بخواهیم چرا که کارگران به دلایل مختلف در عرصه حمایت از کودکان می‌توانند نقشی غیر قابل انکار و تأثیر گذار ایفا نمایند.

بخشی از این دلایل عبارتند از :

۱. بخش اعظم کارگران خود تمام دوران کودکی را کار کرده‌اند و بیش از همه با رنج‌های این کودکان آشنا هستند.

۲. بخش اعظم کودکان کار، فرزندان زنان و مردان کارگری هستند که توجه به حقوق صنفی و تامین اجتماعی آنان می‌تواند موجب ارتقا سطح زندگی و بازگشت کودکانشان به کلاس درس شود.

۳. کارگران بزرگسال در محیط کارگاه‌ها بیشترین ساعات را در کنار کودکان کارگر هستند و می‌توانند در مواقع ضروری از کودکان حمایت‌های بسزایی بنمایند.

۴. تشکل‌یابی و فعالیت‌های صنفی - اجتماعی موجب ارتقا سطح فرهنگ، زندگی و توانمندی‌های کارگران می‌گردد و در صورت شکل‌گیری و گسترش، تشکل‌های مستقل کارگری می‌توانند فضایی بسیار مناسب برای ترویج حقوق کودک و پی‌گیری مطالبات کودکان کار باشند.

۵. تشکل‌های مستقل کارگری به موجب تاکیدات مکرر مقوله نامه و توصیه نامه ۱۸۲ یکی از شرکای اجتماعی دولت برای چاره‌اندیشی درباره کار کودکان می‌باشند و بر همین اساس معتقدیم شکل‌گیری کمیته سه جانبه‌ای متشکل از نمایندگان سازمان‌های دولتی. تشکل‌های صنفی کارفرمایی و تشکل‌های مستقل کارگری با هم‌فکری و همراهی NGOهای حامی حقوق کودکان، می‌توانند در این شرایط نقشی موثر در کاهش آسیب‌ها و تغییر شرایط کودکان کار ایفا نمایند.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳

ماده ۷۹ قانون کار: «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است.»

ماده ۸۰ قانون کار: «کارگری که سنش بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد. کارگر نوجوان نامیده می‌شود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد.»

ماده ۸۱ قانون کار: «آزمایش‌های پزشکی کارگر نوجوان، حداقل باید سالی یک بار تجدید شود و مدارک مربوط در پرونده‌ی استخدامی وی ضبط گردد. پزشک درباره‌ی تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهار نظر می‌کند و چنان چه کار مربوط را نامناسب بداند کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد.»

ماده ۸۲ قانون کار: «ساعات کار روزانه‌ی کارگر نوجوان، نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران است و ترتیب استفاده‌ی از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد.»

صدای کودکان و نوجوانان باید شنیده شود.

«بزرگترها به این نکته توجه ندارند. کودک از چه وقت آنقدر لایق به شمار می‌رود که بتواند نقش و مشارکت فعالانه داشته باشد؟ اگر فرصت مشارکت به آنان ندهید. مهارت‌های لازم را کسب نمی‌کنند. این فرصت را هرچه زودتر به ما بدهید تا ببینید چطور پر می‌کشیم.»

«خیرالغدیری» ۱۷ ساله نماینده مالزی

در نشست ویژه درباره کودکان و نوجوانان در سپتامبر ۲۰۰۲، هنگامی که «مینگولیائوی» ۱۰ ساله، اهل چین، اجلاس سران جهان درباره توسعه پایدار رادر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی مخاطب قرارداد.

یکی از سه نماینده کنفرانس بین‌المللی برنامه محیط زیست ملل متحد بود، که سه ماه پیش تر بیش از ۴۰۰ کودک و نوجوان را از حدود ۸۰ کشور جهان گرد آورده بود. این دختر جوان گزارش داد: «همه ما یک عالم حرف داشتیم. اما نگرانی شماره یک همه‌ی نمایندگان این بود که بیشتر رهبران به حرف‌های ما گوش نمی‌دهند.»

«مینگولیائو» با چهار کودک و نوجوان دیگر، پشت تریبون قرار گرفتند و چالش خود را مطرح کردند. ما توقع زیادی نداریم! شما گفتید این اجلاس سران راجع به اقدام کردن است! ما فقط تشویق و کف زدن و تعریف‌هایی مثل «احسنت یا سخنرانی خوبی را نمی‌خواهیم.» ما عمل لازم داریم. این فعالان جوان را نمی‌شد نادیده گرفت. آنها با بینش خود از آینده و شور و شوق خود، مانند هم‌تایان دیگرشان در نشست ویژه درباره کودکان، در مه ۲۰۰۲، الهام بخش هیات‌های نمایندگی شدند. آنها درخواست کردند که «به کودکان فکر کنید: چه جور دنیای برای آنها می‌خواهید؟»

و سرانجام کودکان به چیزی دست یافتند که با روند معمول مذاکرات بزرگسالان درباره بیانیه نهایی اجلاس سران ممکن نبود به دست آید. رهبران جهان تایید کردند که آنها نه تنها در مقابل یکدیگر بلکه در قبال کودکان و نوجوانان مسوول‌اند. آنها سوگند خوردند که جهان را از چنگ فقر، تخریب محیط زیست و الگوهای توسعه ناپایدار کنند.

وضعیت کودکان جهان ۲۰۰۳ - یونیسف

روز جهانی کارگر

کودکان کار، عضو انجمن حمایت از کودکان کار، روز جمعه ۱۳۸۳/۲/۱۱ همگام با سایر کارگران زحمتکش ایران زمین در راهپیمایی روز جهانی کارگر شرکت کرده و با خواندن سرود و بیانیه‌ی خود خواستار توجه سریع مسوولان به مساله کار کودکان شدند.

ما کودکان کاریم

ما کودکان رنج، درد، فقر و بی‌عدالتی هستیم

ما کودکان محروم از آموزش هستیم

ما کودکان محروم از بازی و بهداشتیم

ما کودکانی هستیم که مورد بی‌مهری بزرگترها و دولت‌ها قرار گرفته‌ایم

ما کودکانی هستیم که ساعات طولانی را به کارهای سخت می‌پردازیم

جای ما در کارخانه و کارگاه

جای ما در مزارع و بنادر

جای ما در کوره پزخانه‌ها نیست

جای ما در کلاس درس است

ما خواهان توجه به حقوق کودکانیم

ما می‌خواهیم دولت‌ها به تعهداتشان درباره کودکان عمل کنند

ما جهانی عاری از جنگ و خشونت را می‌خواهیم

ما خواهان رعایت حقوق کودکان مهاجر هستیم

جهان شایسته ما. شایسته همگان خواهد بود

ما امروز را برای هشدار به بزرگترها و دولت‌ها راهپیمایی کردیم

به امید فردایی بهتر برای تمامی کودکان دنیا

در جریان این مراسم بیانیه‌ای که از سوی انجمن صادر شده بود، خوانده شد.

کارگاه‌های زیر ۵ و ۱۰ نفر از شمول قانون کار، قراردادهای موقت و ... می‌باشیم.

نادیده گرفتن و پایمال کردن حقوق کارگران موجب وارد آمدن آسیب‌های غیرقابل جبران بر نظام اجتماعی می‌گردد که پیامد آن بیکاری، فقر، نابرابری و گسترش ناهنجاریهای اجتماعی است، که روند رو به رشد پدیده کار کودکان و کودکان خیابانی پیامد این آسیب‌ها است.

«انجمن حمایت از کودکان کار» ضمن گرامیداشت این روز بزرگ توجه به‌شان و جایگاه والای کارگران را متضمن استقلال و بهروزی کشور می‌داند و بر ضرورت رعایت تمامی حقوق صنفی و اجتماعی کارگران برگرفته از قوانین ملی و بین‌المللی تاکید می‌ورزد.

اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان، روز تجلیل، گرامیداشت و بازشناسی نقش حیاتی نیروی کار گرامی‌باد.

اهمیت و نقش عنصر کار و تلاش در استقلال، پویایی و بالندگی کشور ایجاب می‌نماید که از تمام ظرفیت‌های موجود برای حفظ نشاط و سلامت این عنصر و فعالان عرصه‌های کار و تلاش استفاده شود.

ولی علی‌رغم این اهمیت ما همواره شاهد بی‌توجهی تزییع و پایمال کردن حقوق کارگران و زحمتکشان در عرصه‌های مختلف بوده‌ایم. به ویژه در سال‌های اخیر نظاره‌گر تصویب قوانین ضد کارگری و مصوبات واپس‌گرایانه نظیر خروج

و نیز بر ضرورت اجرا دقیق کلیه قوانین، پیمان‌نامه‌ها،
مقاله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های تصویبی در ارتباط با حقوق
کودکان به ویژه پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک و مقاله
نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار (محو بدترین اشکال کار
کودکان) تاکید مضاعف دارد. بدین منظور:

۱. ما خواهان تهیه و اعلام هر چه سریع‌تر
فهرست انواع کارهای مضر موضوع بند (د)
ماده (۳) مقاله نامه ۱۸۲ به موجب تبصره
۱ ماده واحده مقاله نامه مذکور می‌باشیم.

۲. به موجب ماده ۶ مقاله نامه ۱۸۲: ما
خواهان تدوین و طراحی هر چه سریع‌تر
برنامه‌های اقدام برای محو فوری بدترین
اشکال کار کودکان هستیم.

۳. در راستای اجرا بند (ج) ماده ۳ مقاله نامه
۱۸۲ ما خواهان چاره‌اندیشی و اقدام فوری
برای محو مؤثر هر نوع استفاده از کودکان
در فعالیت‌های غیرقانونی و به ویژه برای
تولید قاچاق مواد مخدر هستیم.

۴. به موجب بند (د) ماده ۳ مقاله نامه ۱۸۲
ما خواهان چاره‌اندیشی و اقدام فوری برای
محو مؤثر کلیه مشاغلی که به دلیل ماهیت
یا شرایط احتمال دارد به سلامتی، ایمنی یا
اخلاقیات کودکان آسیب برساند هستیم.

۵. به موجب ماده ۳۲ پیمان‌نامه جهانی حقوق
کودک ما خواهان حمایت از کودکان در برابر
هر نوع بهره‌کشی اقتصادی و انجام هر گونه
کاری که ممکن است زیانبار باشد یا خللی
در تحصیل کودک وارد آورد، یا به سلامتی
کودک یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی یا
اجتماعی او آسیب برساند هستیم.

۶. به منظور اجرا ماده ۷۹ قانون کار جمهوری
اسلامی ایران، ما خواهان اقدام جدی برای

ایجاد زمینه‌های عدم اجبار به کار کودکان
زیر ۱۵ سال هستیم.

۷. ما خواهان اقدامات لازم جهت اجرا دقیق
مواد ۸۰ الی ۸۳ قانون کار درباره کارگران
نوجوان هستیم.

۸. به منظور حسن اجرا مقاله نامه ۱۸۲ و سایر
قوانین حمایتی از کودکان کار خواهان
تشکیل کمیته‌ی سه‌جانبه‌ای متشکل از:

الف- سازمان‌ها و نهادهای ذیربط دولتی
ب- انجمن‌های و تشکل‌های صنفی کارفرمایی
ج- تشکل‌های صنفی مستقل کارگری با هم‌فکری و
مشاورت NGOهای فعال در زمینه حقوق کودکان
هستیم.

۹- ما خواهان تأمین اجتماعی فراگیر و گسترش
بیمه‌های همگانی به منظور حمایت از زنان و مردان
کارگر که همانا حمایت از فرزندان آنان و حمایت از
کودکان کار می‌باشد هستیم.

۱۰- ما خواهان بهره‌گیری از تمامی امکانات و
ظرفیت‌های موجود اجتماعی بدون در نظر گرفتن هر
گونه مصلحت‌اندیشی‌های متداول برای حمایت از
حقوق کودکان به طور عام و کودکان کار به طور
خاص هستیم.

۱۱- به موجب ماده ۲۲ پیمان‌نامه جهانی حقوق
کودک ما خواهان ایجاد فرصت‌های برابر به منظور
برخورداری از آموزش و بهداشت تغذیه، امنیت و سایر
حقوق اولیه برای تمامی کودکان مهاجر هستیم.

از مدیریت خانه فرهنگ امامزاده یحیی و خانه فرهنگ کوثر که به
مناسبت روز جهانی کارگر در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۳ مراسم جشنی را
در خانه فرهنگ کوثر برای کودکان کار این انجمن برپا کردند
سیاسگزاریم در این مراسم ۱۶۰ نفر کودک کار از تأثر و
برنامه‌های شاد و متنوع استفاده کردند.

ماده ۶ بند ۱ (پیمان‌نامه حقوق کودک):

کشورهای عضو حق ذاتی تمام کودکان را برای زندگی به رسمیت می‌شناسند.

آرزو ها

منیژه کریمی ۱۴ ساله: آرزو ندارم. چرا، چرا می‌خوام اینجا بمونم.
نجیلا اسماعیلی ۱۰ ساله کارتن جمع کن: از خدا می‌خوام معلم بشم.
ظاهره اسماعیلی ۱۰ ساله آدامس فروش: آرزو دارم دکتر بشم.
خماری اکبری ۸ ساله درست کردن گل در منزل: آرزو دارم پلیس بشم.
سمیه سلطانی ۱۳ ساله آدامس فروش: آرزو دارم برگردم کشورم.
احمد سمیعی ۱۴ ساله کارتن جمع کن: می‌خندد و می‌گوید نمی‌دونم.
آذر نعمتی ۱۲ ساله آدامس فروش: آرزو دارم پول صاحبخانه را بدهیم به خونه داشته باشیم.

به مناسبت ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر با ۱۱ نفر از بچه‌های کار در مورد آرزوهایشان صحبت کردیم. متأسفانه بچه‌ها یا آرزو نداشتند و یا اینکه بعد از مکث طولانی از آرزوی خود صحبت می‌کردند.

عادل گلشاهی ۹ ساله سبزی فروش، با خجالت می‌گوید: نمی‌دونم.
هارون گلشاهی ۸ ساله سبزی فروش، می‌خندد: آرزو می‌کنم که پلیس بشوم
وهاب بهرامی ۷ ساله: آرزو! نمی‌دونم.
سیمین شیردلی ۱۷ ساله قند شکستن در خانه: آرزو دارم همه مردم دنیا خوب و سلامت باشند.

زنگ انشاء:

کودکان اگر کار می‌کنند باید پدر و مادر با آنها مهربان و صمیمی باشند. نباید به زور کودکان را مجبور به کار کردن بکنند و آنها را کتک بزنند. بعضی از بچه‌ها که برای خرج خانه، کار می‌کنند تمام پولشان خرج می‌شود. پدر و مادر آنها می‌خواهند به آنها پول بدهند اما باقی نمی‌ماند. خیلی از کودکان از کار کردن زیادی خسته شدند و دیگر توان کار کردن را ندارند. بچه‌های افغانی مجبور هستند حتی شب‌ها و ساعات‌ها کار کنند. «کار کردن چیز بدی نیست اما نه خیلی زیاد که از زندگی خسته شوی و دیگر طاقت نیاوری.»

«رونا جعفری»

کودکانی که کار می‌کنند اصلاً از کار خود راضی نیستند آنها دوست دارند که درس بخوانند. بازی و تفریح کنند. من در خانه گل درست می‌کنم. خیلی سخت است. گل دست‌های من و خواهرانم را اذیت می‌کند. مادرم، برادرم را به زور سر کار می‌فرستد و برادرم گریه می‌کند که من دوست ندارم سر کار بروم. دوست دارم بروم باشگاه. من وقتی این صحنه را می‌بینم ناراحت می‌شوم خودم هم دوست دارم فقط درس بخوانم و با بچه‌ها بازی کنم. از این طرف کارهای خانه برگردنم است و از آن طرف کار گل. خیلی خسته شدم و «دوست دارم به جای کار، بمیرم.»

«فاضله یونسی»

با کودکان جهان

نیپال - حیرت زده و با کمی خجالت کف دست‌هایش را به مرد نشان داد. چه چیز خاصی در دست‌هایش وجود داشت؟ «کانچی» ۱۳ ساله، با شک و تردید به گروهی که آمده بودند دست‌های او را ببینند نگاه می‌کرد. او گفت که از یک ماه پیش در این کارگاه قالی‌باقی مشغول کار است، اما، کارشناس «سومان میشر» باور نکرد.

زخم‌های تازه در کنار جای زخم‌های کهنه، واقعیت دیگری را برای این کارشناس حقوق کودکان بیان می‌کرد. کانچی، یکی از هزاران کودکی است که در کاتماندو، پایتخت نیپال، مجبورند قالی ببافند. از صبح زود تا دیر وقت شب، هر روز ۱۲ ساعت تمام، بدون زمانی برای استراحت. دست‌های اغلب آنها مدام با چاقوی تیزی که نخ قالی بافی را می‌برند، زخمی می‌شود. و سومان میشر با بررسی جای این زخم‌ها و اثر آنها که برای همیشه باقی می‌ماند، کودکان کار را کشف می‌کند.

کانچی هرگز فرصت انتخاب نداشته، با آنکه بیشتر دوست دارد بازی کند یا به مدرسه رود، اما مجبور به کار کردن است.

وقتی فقط ۹ سال داشت، مادرش مرد و برادرش آن قدر فقیر بود که کانچی را مجبور کرد برای پول درآوردن به این کارگاه قالی‌بافی بیاید. سه سال است که او آنجا کار می‌کند.

تخمین زده شده که حدود دو میلیون و شصت هزار کودک نیپالی، مجبورند هر روز کار کنند تا به خانواده‌هایشان کمک کنند. شرایط آنها غم‌انگیز است. وقتی خسته می‌شوند و نمی‌توانند درست کار کنند، کتک می‌خورند. شرایط غیربهداشتی کار، اغلب آنها را بیمار می‌کند، خمیدگی پشت و تنگی نفس از ناراحتی‌های رایج در میان آنهاست.

اما کانچی شانس آورد که کارشناس حقوقی صدای پینه‌های کف دست او را شنیدند. او اکنون همراه با تعداد زیادی کودک و نوجوان دیگر در محلی نگهداری می‌شوند. آنها با هم غذا می‌خورند، می‌خوانند و می‌توانند به مدرسه بروند. کانچی می‌گوید: زندگی من به کلی تغییر کرده است. نقشه‌های زیادی برای آینده دارم. بعدها می‌خواهم معلم شوم و به کودکان و نوجوانان کمک کنم.

۱۷ مهر ۸۲ صفحه ۱۰ دوچرخه همشهری

اداره بهداشت سازمان ملل برآورد می‌کند که کودکان زیر ۵ سال حدود ۱۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند اما ۴۰ درصد بیماران جهان را شامل می‌شوند. حدود یک سوم این بیماری‌ها به دلیل عوامل زیست محیطی به وجود آیند.

همشهری ۱۳۸۲/۱/۲۱ صفحه ۵

آدرس سایت: www.Apcl.org.ir

صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۳۵۵۶

با کودکان کار دیروز

خانم فاطمه - م خانه‌دار متولد ۱۳۳۴ از توابع اراک می‌باشد او در خانواده‌ای کشاورز به دنیا آمد. پدرش با تمام تلاشی که برای تامین امرار معاش خود، همسر و فرزندانش می‌کرد نمی‌توانست از عهده مخارج زندگی برآید. از این رو همسر و دخترش چون دیگر ساکنین روستا پشت دار قالی نشستند .:

چطوری که نه صدای شونه‌ها می‌یاد نه صدای علمه‌ها می‌یاد.

مادرم بنده خدا با من کاری نداشت چون دست تنها بود این طور می‌گفت: تنهایی نمی‌شه بافت باید یکی رفیق باشه تا همراهی کنه.. مادرم تنها می‌بافت تا سحر، سحر پدرم شروع می‌کرد به خمیر کردن و مادرم هم وسایل دیگه رو آماده می‌کرد.

ساعت ۶ صبح نون آماده بود و بعد از صبحانه بازدار قالی. پسرا هم کار می‌کردن کار پسرا توی زمین بود. کشاورزی و باغداری.

وقتی ۷-۸ ساله بودم اومدن اسم نویسی دخترها برای مدرسه. بابام گفت: اینا مردونه اس و درست نیس مردا به دخترا درس بدن. حالا اگر پسر بود می‌رفت ولی بجای دخترم خودم میام. اسم ۲ برادر کوچکتر را هم نوشت. این طور شد ک من مدرسه نرفتم اما مشق نوشتن را دوست داشتم. علاقه داشتم. بابام وقت نمی‌کرد که مشق بنویسد. مشقاشو من می‌نوشتیم. یک روز معلم بابام گفت: این مشقای خودت نیست. فرق می‌کنه با خط خودت. اینرو پسرت نوشته. پدرم گفت: دخترم نوشته قالی می‌بافه نمی‌تونه بیاد وقت نداره. قبول نکردن من درس بخونم. وقتی برادرام خوابشون می‌برد من شروع می‌کردم به درس نوشتن و درس خوندن. درس بد نبود خوب بود. اما بیشتر از کلاس اول نتونستم بخونم.

از ۱۰ سالگی خواستگار داشتم. ۱۴ سالگی خواستن منو شوهر بدن. ناراحت شدم گفتم اگه بخاطر خرجه خودم قالی می‌بافم خرجمو در می‌آرم. پدرم گفت: هر دختری باید ازدواج کند. آنقدر خواستگارا اومدن و رفتن تا قبول کردم. الان در روستای، ما ۶۰-۵۰ نفر جمعیت زندگی می‌کنن بیشتر جوونا رفتن شهر، هنوز در این روستا بچه‌ها قالی

از زمانی که شروع کردم به راه رفتن به ما کار گفتن. همین که راه می‌افتی جارو می‌دن دستت، صبح که میشه باید پاشی جارو کنی، ظرف بشوری و بعد ۶-۷ سالگی هم قالی دار می‌کنن و شروع می‌کنن به یاد دادن.

۶-۷ ساله بودم که گفتن قالی بافتن رو یاد بگیر. منم دوست نداشتم قالی ببافم. یه قالی جدا دار کردن که بهتر یاد بگیرم. ولی از اونجایی که دوست نداشتم، هیچ وقت نقشه نگاه نمی‌کردم. تا یاد بگیرم. مادرم می‌گفت چرا به نقشه نگاه نمی‌کنی؟ می‌گفتم تو بگو تا من درست کنم. می‌گفت نه باید یاد بگیر. حالا اینجا معلوم نیس تو رو ببرن تهران، اگه اینجا ازدواج کردی باید قالی بافتن و نون پختن رو یاد بگیر. این طوری شد که شروع کردیم به قالی بافتن.

ماهی ۶ لنگه می‌بافتیم. همه پولش رو پیش‌خور می‌کردیم قند و چای و برنج و روغن و ... می‌خریدیم. تازه نگاه می‌کردی که یک چیز هم بدهکاری بخاطر همین هنوز قالی نرفته بود که دوباره دار قالی بپا می‌کردیم. یک روز را هم نمی‌تونستی خستگی بگیری می‌گفتم لعنت به پدر اونکه دار قالی رو آورد.

از ساعت ۶ صبح تا ۱۲ ظهر قالی می‌بافتیم. پدرم نهار را آماده می‌کرد بعد از نهار ظرف شستن و آب آوردن از قنات بود و بازم قالی تا شام. بعد از شام شروع می‌کردیم به بافتن تا ساعت ۳-۲. شب خیلی خسته می‌شدم آن قدر می‌بافتیم که دیگه به خدا ناخنم گود می‌افتاد و شروع می‌کرد به خون اومدن. کوچیک بودم خیلی کوچیک.

بابام هر شب قصه تعریف می‌کرد تا ما قالی ببافیم یه موقع به بابام اشاره می‌کردم که من پیام پایین؟ اشاره می‌کرد آره بیا. از اون طرف یواش می‌اومدم سرم را می‌گذاشتم روی پای بابام و قصه می‌گفت؛ مادرم می‌گفت:

از خانم فاطمه - م می‌خواهیم از دوران کودکی خود
خاطره‌ای شیرین را نقل کنند: **خاطره شیرین ندارم.**
کار می‌کردیم. قالی بافتن. لباس شستن، ظرف
شستن، خاطره شیرینی ندارم اما آرزوم این بود
که درس بخونم.

می‌بافن. از سنین کم شروع می‌کنن به قالی بافتن. اونجا تا
کلاس پنجم بیشتر نیس یعنی معلم نداره. برای بیشتر
درس خوندن باید رفت اراک تفرش یا آشتیان و چون
امکان درس خوندن بیشتر توی روستا نیس بچه‌ها ترک
تحصیل می‌کنن. خانواده‌ها توان مالی ندارن تا برای بچه‌ها
اتاق بگیرن و خرج تحصیل بدن.

کودکان و زنان قربانیان اصلی قاچاق انسان

صندوق کودکان سازمان ملل متحد اعلام کرد که تحقیقات انجام شده در ۵۳ کشور
آفریقایی نشان داده در تمامی این کشورها قاچاق انسان انجام می‌شود. بر اساس این
گزارش کودکان، قربانیان اصلی قاچاق انسان در این کشورها هستند. این گزارش هم‌چنین
می‌افزاید: در آفریقا از کودکان به عنوان برده و سرباز استفاده می‌شود و علاوه بر آن،
قاچاقچیان انسان کودکان را وادار به خود فروشی می‌کنند.

گزارش مالی انجمن حمایت از کودکان کار

الف: صورت حساب سود و زیان

برای دوره‌ی مالی منتهی به ۸۲/۱۲/۲۹

۷۹۰,۰۱۹,۸۴۲	جمع مبلغ کمک های مردمی جذب شده طی دوره کسر می شود:
۱۴۲,۰۴۸,۰۶۴	هزینه های انجام شده طی دوره
<u>۶۴۷,۹۷۱,۷۷۸</u>	مانده (انتقال به حساب سرمایه)

ب: ترازنامه

برای دوره‌ی مالی منتهی به ۸۲/۱۲/۲۹

بدهی و سرمایه		دارایی	
۲۳۲,۸۷۶,۱۰۰	بستانکاران	-	دارایی های ثابت
۱۵,۰۱۵,۶۰۰	وجوه امانی	-	ساختمان های انجمن (ارزش دفتری)
۶۹۰,۱۴۴,۲۷۸	سرمایه	-	تجهیزات و لوازم اداری
	شامل:	-	دارایی های جاری
۴۲,۱۷۲,۵۰۰	سرمایه اول دوره	۶۸,۴۰۰,۰۰۰	سپرده بانکی (پیش پرداخت وام)
۶۴۷,۹۷۱,۷۷۸	افزایش طی دوره	۶,۰۹۵,۲۴۰	مانده حساب بانک (۹۵/۷۰ جاری)
		۳,۲۹۲,۴۱۶	مانده حساب تنخواه گردان
<u>۹۳۸,۰۳۵,۹۷۸</u>		<u>۹۳۸,۰۳۵,۹۷۸</u>	

ضمن قدردانی از کمک های یکایک عزیزان ضمن ارایه صورت های مالی سال ۸۲ به اطلاع می رساند حساب پس انداز ۱۳۷۴۰۰,۲۰ نزد بانک سپه شعبه مرکزی به وجوه پروژه به اختصاص داده شده که گزارش گردش مالی در شماره بعد ارایه خواهد شد.

به آفتاب سلامی دوباره خواهم کرد
به جویباری که در من جاری بود
به ابرها که فکرهای طویلیم بودند
به رشد دردناک سپیدارهای باغ که با من
از فصل‌های خشک گذر می‌کردند

به دسته‌های کلاغان
که عطر مزرعه‌های شبانه را
برای من به هدیه می‌آورند.
به مادرم که در آینه زندگی می‌کرد
و شکل پیری من بود
و به زمین، که شهوت تکرار من، درون ملتهبش را
از تخم‌های سبز می‌انباشت - سلامی، دوباره خواهم داد
می‌آیم، می‌آیم، می‌آیم.
با گیسویم: ادامه بوهای زیر خاک
با چشم‌هایم: تجربه‌های غلیظ تاریکی
با بوته‌ها که چیده‌ام از بیشه‌های آنسوی دیوار
می‌آیم، می‌آیم، می‌آیم
سلامی دوباره خواهم داد.....

«فروغ فرخزاد»

از تمامی دوستانی که لحظه به لحظه همراهمان بودند. از یاورانی که تنهایمان نگذاشته‌اند از عزیزانی
که به ما دلگرمی دادند و یا با کمک‌های فکری و مالی خود توانمان بخشیدند سپاسگزاریم.

ای بس که تازبانۀ خونین برق و باد
پیچیده دردناک
برگرده زمین...
«ساید»

